

تب جنگ علیه لیبی

جمعه ۵ فروردین ۱۳۹۰ - ۲۵ مارس ۲۰۱۱

Eric Margolis

Antiwar.com - 04.03.2011

برگردان ناهید جعفرپور

در باره نویسنده: اریک مارگولیس ژورنالیست آلبانیایی/ آمریکایی است. مقاله وی در نیویورک تامز، تریبون بین المللی هرالد، لوس آنجلس تایمز و تایمز لندن چاپ گردیده است.

تب جنگ بر علیه لیبی ایالات متحده و کانادا را گرفتار نموده است. قذافی بعد از 9 سال استراحت بعنوان متحد منفعت رسان غربی ها، اکنون مردی است که همه باید از وی متنفر باشند:

بر علیه لیبی برخیزیم! مرگ بر مستبد تری پولیس! این ها فریادهای جدید جنگی و آهنگ کشتارهای جمعی جدید راست های آمریکای شمالی، رسانه ها و نئوکونزرواتیو هاست.

بنظر می رسد که راست ها در حال حاضر بهترین موقعیت را در جنگ داخلی لیبی دیده اند که در آن می توان از دست قذافی که مورد تنفر مردم کشورش است راحت شوند و نفت بسیار مرغوب لیبی را آزاد نمایند و موج قیام های منطقه را مهار سازند. قیام هائی که اکنون جهان عرب را شعله ور ساخته است.

این آهنگ را ما در گذشته یکبار دیگر قبل از حمله به عراق شنیدیم: "یک دیکتاتور شرور که مردمش را آزار می دهد و به آنها ستم می کند و دریائی مملو از نفت و ارتشی مملو از تسلیحات خطرناک دارد". رئیس جمهور اوباما به تصمیمی جدید نزدیک شده است که به لیبی حمله کند و محدوده ممنوع هوائی رادر کنترل خود قرار دهد. نیروی دریائی ارتش آمریکا به سواحل لیبی نزدیک می شود.

رهبران ایالات متحده آمریکا، امارات متحده، فرانسه و آلمان که با علاقه تا کنون از قذافی دفاع کرده اند و از وی نفت خریده اند و پول از وی دریافت نموده اند به ناگهان از وی یک شیطان می سازند و حمله به لیبی توسط آمریکا، امارات متحده، فرانسه و کانادا مجددا بعنوان یک ماموریت بشردوستانه توجیح می گردد تا بدین وسیله آنان غیر نظامیان لیبی را از دست حملات کشنده هوائی قذافی نجات دهند.

آنها هیچگاه اشاره ای به 65 غیر نظامی افغانی که همین اخیرا توسط حمله هوائی آمریکا بقتل رسیدند و یا 9 جوان افغانی که در هنگام جمع آوری هیزم در هفته گذشته اسیر هلیکوپتر های جنگنده آمریکا شده و بقتل رسیدند نمی کنند. همچنین اصلا اشاره ای به حملات هوائی آمریکا به پاکستان، سومالی و یا یمن که بیشترین غیر نظامیان را اسیر مرگ نمود نمی کنند.

گزارش هائی در باره نیروهای ویژه ایالات متحده آمریکا و امارات

متحده و فرانسه و شاید کانادا در شرق لیبی وجود دارد. گزارش از اینکه آنها نیروهای نامنظم ضد قذافی را آموزش می دهند و مسلح می کنند و حتی به جنگ می فرستند. در ابتدا در داخل آشوب به وجود می آوردند و سپس فریاد کمک از خارج را سر می دهند. این حقه دیگر مدتها است که قدیمی شده است.

قبایل شرق لیبی و شهر بن قاضی همیشه بر علیه قذافی بوده اند. سرویس امنیتی امارات متحده مدت هاست که در این منطقه فعال است. حتی این تلاش امارات متحده که قذافی را بقتل برسانند در شهر بن قاضی طراحی شده است.

لیبی بسیار شکننده شده است و بنظر می رسد که پایه هایش در حال فروپاشی است. لیبی در ابتدا در سال 1951 کشوری متحد شد آنهم بعد از آن که سه منطقه مستقلش یعنی:

Tripolitania, Cyrenaica und Fezzan

با هم متحد شدند. اما هم اکنون جنگ داخلی منطقه ای و قومی مجددا گسترش می یابد و این مسئله باعث می شود که قدرتهای تشنه نفت مرغوب لیبی این کشور را محاصره نمایند. لیبی هم می تواند سرنوشتی چون عراق و افغانستان پیدا کند و تکه تکه شود.

واشنگتن بعد از اینکه بلیون ها دلار هزینه جنگ عراق و افغانستان نمود هم اکنون مجامع امنیت ملی اش (به کسانی که در بریتانیا بعنوان " امپریالیست ها معروفند" در آمریکا این نام را داده اند) با علاقه خواهان حمله به لیبی شده اند. طرح هائی چون حمله به ایران و یا پاکستان به بعد ها موکول گشت زیرا که ذخایر نفتی لیبی استثنائی است و نباید آن را از دست داد.

با این وجود در همین آمریکا هم هنوز صدا هائی وجود دارند که از عقل صحبت می کنند. برای مثال روبرت گیتس وزیر دفاع آمریکا بر علیه یک منطقه ممنوع هوائی و یا حمله از زمین به لیبی است و اخطار کرده است که آمریکا نباید ریسک وارد شدن به سومین جنگ بزرگ را بکند زیرا که نمی تواند هزینه آن را بپردازد. آنهم زمانی که 40% دلار های خرج شده توسط دولت آمریکا از چین و ژاپن قرض گرفته شده است.

اما کانادا هم از آن زمان که مستعمره کوچک کانادائی خویش را در افغانستان به پیش می برد توسط ویروس نئو امپریالیست ها گرفتار شده است بطوری که نخست وزیرش می گوید که متأسف است که در جنگ عراق حضور نداشته است و اکنون وی به طبل جنگ بر علیه لیبی می کوبد. گیتس رئیس اسبق سازمان سیا درست می گوید وقتی که اظهار می دارد که منطقه ممنوعه هوائی در آینده نزدیک منجر به حمله زمینی ارتش آمریکا به لیبی می شود و آمریکا را در وسط یک جنگ قومی گیج کننده قرار می دهد. جنگی که هیچکس در واشنگتن اوضاع آنرا نمی تواند پیش بینی کند. دقیقا همان چیزی که اکنون در افغانستان در حال وقوع است. جائی که آمریکا در میان یک جنگ داخلی بین متحدین تاجیکی/اوزبکی و اکثریت پشتو ها قرار گرفته است.

جنگ عراق که در آغاز " یک بازی بچه گانه " نامیده می شد، اکنون 50000 سرباز آمریکائی را در خود دارد که هرکدام سالانه یک میلیون دلار برای آمریکا خرج دارند. ایالت متحده آمریکا همواره هر چه عمیق تر به درون اختلافات در سومالی، یمن، و مرزهای شمال غربی پاکستان فرو می رود و همین اخیرا در جیبوتی. آیا لیبی می تواند آن حصیری باشد که پشت شتر را می شکنند؟ شاید؟ و شاید هم نه. حمله به ایران مطمئنا می توانست این کار را کند. در حال حاضر به شکرانه قذافی تهران می تواند نفسی بکشد.

کسی که از این نمایش لذت می برد اوساما بن لادن است (البته اگر از این حرکت کنیم که زنده است). هدف بن لادن همواره سرنگونی رژیم های دست نشانده آمریکا در جهان اسلام بوده است. حمله به هدف های غربی در درجه دوم اهداف وی قرار داشته است.

قذافی اصلا خیلی هم بیراه نگفت زمانی که وی القاعده را مقصر قیام در لیبی خواند. البته بن لادن سر نخ جنگجویان لیبی را در دست نداشت اما فلسفه انقلابی القاعده و مبارزه ضد غربی اش مطمئنا بسیاری از جوانان را از مراکش تا بنگلادش مجذوب نمود.

این بزرگترین مشکل واشنگتن خواهد بود که حمله به لیبی آتشی را که در جهان عرب شعله می زند را گسترش خواهد داد و شعله ور ترش خواهد نمود و باعث خواهد شد تا یک جهاد ضد غربی منطقه ای شکل گیرد و این خود استراتژی مورد علاقه بن لادن است؛ که ایالت متحده آمریکا را در جنگ های کوچک بسیاری در جهان اسلام قاطی کند و بدین شکل آنها را از بین ببرد. تا کنون ایالات متحده آمریکا هم با این نقشه بزرگ اوساما بین لادن همکاری نموده است.